

اپرا

از دکتر مهدی فروغ



«اپرا» کلمه ایست ایتالیائی ووجه خلاصه شده ایست از عبارت « اپرا این موزیکا » Opera in Musica که بفارسی میتوان آنرا « کار توأم با موسیقی » تعبیر کرد. جمعی نیز آنرا « دراما پر لا موزیکا » - Drama Per la Musica که بمعنی « درام توأم با موسیقی » است نامیده اند. اپرا عبارتست از نمایشنامه ای تراژدی یا کمدی که به آواز در روی صحنه بهمراهی ارکستر کامل بازی شود بنا بر این بادر نظر گرفتن اصول و خصوصیات تئاتر مدرن و مقایسه اپرا با آن میتوان گفت که اپرا سبک بخصوصی است از تئاتر ولی باتوجه و مراجعه به تئاترهای یونان قدیم می بینیم که اپرا در حقیقت عین درام یا درام محض است.

بامراجعه به تاریخ تئاتر یونان قدیم و مطالعه شیوه و اصول برگزار کردن آن متوجه میشویم که اپرا دازای سابقه ممتد است و ازدو هزار و پانصد سال پیش برای آن سازمان و مقررات مفصل و بخصوصی وضع شده است و کسی که بخواهد راجع به اوان پیدایش آن تحقیق کند باید به تاریخ قدیم

یونان مراجعه کند چون ظهور آن با ظهور درام یکیست. میتوان گفت که اِپرا ابتداء در شهر پرافتخار آتن و در نمایشگاههای^۱ پر عظمتی که از لحاظ رعایت اصول صوتی Acoustique شاید هنوز در جهان نظیر پیدا نکرده است بوجود آمد. سخنوران عالیقدری چون اسشیل و سوفکل اشعار آنرا تنظیم میکردند و بهمراهی گروه کاملی از نوازندگان لیروفلوت بنمایش درمی آمد. بطور مسلم فرودستان (خوانندگان دسته جمعی که سرودهای خود را با پایکوبی توأم میساختند) اشعار نمایشنامه اگامنون و انتی گون بهمراهی عالیترین نوع موسیقی که امکان تنظیم آن در آن موقع موجود بود بیان می داشتند و هر کلمه و هر عبارت باوای موسیقی مناسبی تلفیق و بیان میشد.

امروزه هم اگر کسی در ایام تابستان برای دیدن فستیوالهای نمایش-های کلاسیک به کشور یونان سفر کند ملاحظه خواهد کرد که هنرمندان و مورخان و محققان معاصر آن کشور دست بدست هم داده و باهمت و ایمان و با کوشش فراوان درباره آثار درام نویسان دوهزار سیصد چهار صد سال پیش که تاچندی قبل در زیر خاک فراموشی مدفون بود تحقیقات علمی فراوان بعمل آورده و آنها را بشکل جالب و مجللی در خرابه های تعمیر شده همان تئاترهائی که متجاوز از بیست و چهار قرن پیش این آثار بکارگردانی خود نویسنده در آن بازی میشد بمعرض نمایش در می آورند و هزاران نفر از محصلین و محققین و نقادان و هنر سنجان از اطراف و اکناف جهان برای مشاهده و مطالعه آنها در شهرهای آتن و دلفی و اپی داوروس گرد می آیند و از ملاحظه آن بهر مند میشوند.

کارگردانان این نمایشها به اتکای اسناد موقوت تاریخی و هنری نمایشنامه های مزبور را کارگردانی میکنند و در قسمت هائی از آن که سند و مدرک کافی موجود نیست با مراجعه بهمان اسناد تاریخی - و نه از روی هوا و هوس و یا

۱ - اصطلاح نمایشگاه در اینجا بجای تماشاخانه که بعقیده نویسنده تعبیر نادرست و منحرف کننده ایست برای تئاتر بکار رفته است زیرا نمایشگاه که بانمایش و نمایشنامه پیوند دارد برای محل برگزار کردن نمایش متناسب تر است تا تماشاخانه که بیشتر با محل مطالب تماشای عاری تفریحی متناسب است. خوبست برای نمایشگاه نقاشی کلمه دیگری انتخاب شود و این کلمه اختصاص به تئاتر بیاید.

احساس تنها که اغلب مایه انحراف و گمراهی است - بلکه باتکای ذوق سلیم
طرق و سبک و شیوه‌ای تعبیه میکنند که بطبع و باسلیقه مردم هنرشناس و با
فرهنگ موافق است.

از جمله نکته‌های مبهم این نمایشها که یافتن راه حل آن بسیار مشکل
بوده و هست یکی تهیه و تنظیم موسیقی است که بهمراهی حرکات موزون
فروستان باید در ضمن جریان نمایش بگوش برسد هیچ نوع اطلاع درباره
اینکه این آهنگها چگونه اجرا میشده در دست نیست. متصدیان امر هرگز
در صدد این بر نیامده‌اند که بنا به تمایلات خام خویش و برخلاف موازین علمی
و هنری، آلات و ادوات موسیقی من در آورد بسازند یا تصنیفهای روی فواصل
و ترکیبات نادرست تصنیف کنند بلکه بادر نظر گرفتن مقتضیات زمان و استعداد
مردم آن عهد و اسناد تاریخی آهنگهایی تعبیه کرده‌اند که محال است مردم
آشنا با اصول هنری آنرا بشنود و طبعش نپذیرد. این نویسنده را که در دو
نوبت فرصت مشاهده و مطالعه چندین دوره از این آثار در شهرهای مهم
یونان نصیبش شده ملاحظه کرده است که چگونه مصنفی مانند «دمیتری
میتروپولوس» (Dimitri Mitropoulos) با استفاده از يك فلوت و يك
طبل بزرگ آهنگی ساخته که هم باین کلام موافق است و هم با حرکات
موزون اشخاص بازی وهم از هر لحاظ با اسناد موثق تاریخ تطبیق دارد.

از همان ابتدای شروع هنر درام باین کیفیت جمعی از نقادان از لحاظ
اینکه این نوع هنر بردازی مخالف و مغایر با طبیعت و حقیقت زندگی روزمره
است بآن روی موافق نشان نمیدادند و مدعی بودند که در زندگی عادی،
مردم مطالب خود را به آواز و توام با حرکات پرمبالغه بیان نمیکند. باین
دلیل ودلائل دیگر بعد از مدتی موسیقی از درام تفکیک شد باین معنی که
اشعار نمایش که با توجه بمفهوم و معنای کلام و ارزش هر کلمه و هر هجاء در
لحن مخصوص و بهمراهی موسیقی متناسب با مطلب بیان میشد (Declamation)
بتدریج صورت طبیعی بخود گرفت و بطرز صحبت کردن عادی روزانه نزدیک

شد. ولی درام نویس باز هم برای تقویت و تشدید هیجانان و ازدیاد تأثیر وقایع داستان مکالمات نمایشنامه خود را بشعر تنظیم میکرد و این رویه تا آغاز پیدایش تئاتر «مدرن» در اواخر سده نوزدهم همچنان متداول بوده است. بهمین دلیل عده‌ای نیز بودند که با اظهارات مدعیان درام توأم با موسیقی مخالفت می‌ورزیدند و میگفتند بهمان کیفیتی که بیان مطالب عادی به شعر برای تشدید احساس و افزایش تأثیر آن جائز است توصل بموسیقی نیز بهمین دلایل ضرورت دارد و تنها با استفاده از شعر و موسیقی است که میتوان اندیشه‌های بزرگ و احساسات رقیق را بالحی سنکین و شیوا و دلنشین بیان داشت. اگر کسی با نمایش اگامنون Agamemnon اثر اشیل که بصورت ایامبیک^۱ Iambique یا با نمایشنامه هانری هشتم شکسپیر که بصورت بلانک ورس^۲ Blank Verse یا نمایشنامه سید Cid کرنی که بصورت الکساندرین^۳ Alexandrian نوشته شده مخالف باشد حق دارد با توأم داشتن موسیقی با درام نیز مخالفت کند.

بهر حال این مخالفت‌ها با وجود سیر تاریخ تحول اپرا و درام تا دوره معاصر ما هم همچنان ادامه دارد ولی امروزه با وجود اینکه فلسفه‌های ناتورالیستیک Naturalistique و رئالیستیک Realistique در نهایت قدرت خود بر آثار

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - در عروض یونان قدیم به بحر مخصوصی اطلاق میشد که هر وند آن عبارت بوده است از يك هجای کوتاه و یا بدون تکیه و يك هجای بلند یا با تکیه مثل کلمه زدن که باین صورت نوشته میشود -

۲ - نمایشنامه نویسان انگلیسی آثار خود را باین بحر مینوشتند باین ترتیب:
- - - - - و عبارتست از اشعاری بدون قافیه که هر مصرع آن مرکب باشد از پنج وند بصورت ایامبیک Iambique. این اصطلاح را در فارسی بعضی به « شعر سفید » ترجمه کرده‌اند که تعبیری است با رد و نادرست و ناخوش آیند.

۳ - بحر مخصوصی در عروض ادبیات فرانسه مرکب از شش وند ایامبیک که بعد از وند سوم يك وقفه احساس شود.

احساس تنها که اغلب مایه انحراف و گمراهی است - بلکه بانکای ذوق سلیم طرق و سبک و شیوه‌ای تعبیه میکنند که بطبع و باسلیقه مردم هنرشناس و با فرهنگ موافق است.

از جمله نکته‌های مبهم این نمایشها که یافتن راه حل آن بسیار مشکل بوده و هست یکی تهیه و تنظیم موسیقی است که بهمراهی حرکات موزون فرودستان باید در ضمن جریان نمایش بگوش برسد هیچ نوع اطلاع درباره اینکه این آهنگها چگونه اجرا میشده در دست نیست. متصدیان امر هرگز در صدد این بر نیامده‌اند که بنا به تمایلات خام خویش و برخلاف موازین علمی و هنری، آلات و ادوات موسیقی من در آورد بسازند یا تصنیفهای روی فواصل و ترکیبات نادرست تصنیف کنند بلکه بادر نظر گرفتن مقتضیات زمان و استعداد مردم آن عهد و اسناد تاریخی آهنگهایی تعبیه کرده‌اند که محال است مردم آشنا با اصول هنری آنرا بشنود و طبعش نپذیرد. این نویسنده را که در دو نوبت فرصت مشاهده و مطالعه چندین دوره از این آثار در شهرهای مهم یونان نصیبش شده ملاحظه کرده است که چگونه مصنفی مانند «دمیتری میتروبولوس» (Dimitri Mitropoulos) با استفاده از يك فلوت و يك طبل بزرگ آهنگی ساخته که هم بایبان کلام موافق است و هم با حرکات موزون اشخاص بازی و هم از هر لحاظ با اسناد موق تاریخ تطبیق دارد.

از همان ابتدای شروع هنر درام باین کیفیت جمعی از نقادان از لحاظ اینکه این نوع هنر پردازي مخالف و مغایر با طبیعت و حقیقت زندگی روزمره است بآن روی موافق نشان نمیدادند و مدعی بودند که در زندگی عادی، مردم مطالب خود را به آواز و توام با حرکات پرمبالغه بیان نمیکند. باین دلیل ودلائل دیگر بعد از مدتی موسیقی از درام تفکیک شد باین معنی که اشعار نمایش که با توجه بمفهوم و معنای کلام و ارزش هر کلمه و هر هجاه در لحن مخصوص و بهمراهی موسیقی متناسب با مطلب بیان میشد (Declamation) بتدریج صورت طبیعی بخود گرفت و بطرز صحبت کردن عادی روزانه نزدیک

شد. ولی درام نویس باز هم برای تقویت و تشدید هیجانان و ازدیاد تأثیر وقایع داستان مکالمات نمایشنامه خود را بشعر تنظیم میکرد و این رویه تا آغاز پیدایش تئاتر «مدرن» در اواخر سده نوزدهم همچنان متداول بوده است. بهمین دلیل عده ای نیز بودند که با اظهارات مدعیان درام توأم با موسیقی مخالفت میورزیدند و میگفتند بهمان کیفیتی که بیان مطالب عادی به شعر برای تشدید احساس و افزایش تأثیر آن جازز است توصل بموسیقی نیز بهمین دلایل ضرورت دارد و تنها با استفاده از شعر و موسیقی است که میتوان اندیشه های بزرگ و احساسات رقیق را بالحنی سنگین و شیوا و دلنشین بیان داشت. اگر کسی با نمایش آگاممنون Agamemnon اثر اسکیل که بصورت ایامبیک^۱ Iambique یا با نمایشنامه هانری هشتم شکسپیر که بصورت بلانک ورس^۲ Blank Verse یا نمایشنامه سید Cid کرنی که بصورت الکساندرین^۳ Alexandrian نوشته شده مخالف باشد حق دارد با توأم داشتن موسیقی با درام نیز مخالفت کند.

بهر حال این مخالفت ها با وجود سیر تاریخ تحول اپرا و درام تا دوره معاصر ما هم همچنان ادامه دارد ولی امروزه با وجود اینکه فلسفه های ناتورالیستیک Naturalistique و رئالیستیک Realistique در نهایت قدرت خود بر آثار

شوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - در عروض یونان قدیم به بحر مخصوصی اطلاق میشد که هر و تد آن عبارت بوده است از یک هجای کوتاه و یا بدون تکیه و یک هجای بلند یا باتکیه مثل کلمه زدن که باین صورت نوشته میشود -

۲ - نمایشنامه نویسان انگلیسی آثار خود را باین بحر مینوشتند باین ترتیب: - - - - - و عبارتست از اشعاری بدون قافیه که هر مصرع آن مرکب باشد از پنج و تد بصورت ایامبیک Iambique. این اصطلاح را در فارسی بهمنی به « شعر سفید » ترجمه کرده اند که تعبیری است با رد و نادرست و ناخوش آیند.

۳ - بحر مخصوصی در عروض ادبیات فرانسه مرکب از شش و تد ایامبیک که بعد از و تد سوم یک وقفه احساس شود.

هنری حاکم است اپرا همچنان در کشورهای بزرگ جهان رونق و رواج کامل دارد و هم‌میهنان عزیز ما که پاریس یا وین و شهرهای هنرخیز دیگر اروپا سفر کرده‌اند اگر ذوق و سواد هنری در خود سراغ داشته‌اند با احتمال قوی در صدد دیدن لا اقل يك برنامه اپرا برآمده و ملاحظه کرده‌اند که بایست بلیط آنرا لا اقل یکی دو ماه قبل با قیمتی که البته به تناسب استعداد مالی ما گزاف است تهیه کرده باشند و می‌بینند که چگونه علاقمندان باین هنر ساعتها برای خریدن بلیط برنامه‌های هفته‌های بعد در صف با انتظار می‌ایستند.

جای تأسف است که با اطمینان نمیتوان گفت که از خیل مسافران فراوانی که هر سال از این مملکت عازم کشورهای اروپا میشوند چند نفر زحمت توجه به بنای با عظمت اپرای پاریس یا وین یا ونیس را بخود داده‌اند. هر کس از هم‌میهنان ما که پاریس می‌رود مساماً يك نیمه روز خود را بدیدن برج ایفل که از لحاظ مهندسی و معماری یکی از بناهای با عظمت عروس شهرهای جهانست صرف، و عظمت آنرا تحسین میکند. بعید نیست بنای عظیم و پر جلال و شکوه اپرای آن شهر را نیز که یکی از عظیمترین تئاترهای جهانست و در مرکز مدرن‌ترین و زیباترین نقاط آن شهر قرار دارد دیده باشد. محال است کسی پاریس برود و این بنای باشکوه را نبیند. از حیث مساحت بزرگ‌ترین اپرای جهانست و دارای کتابخانه وسیعی است که یکی از غنی‌ترین کتابخانه‌های هنری محسوب میشود و مثل يك موزه پر از ذخائر نفیس تاریخی و هنری است و خود بنا نیز دست کمی از اشیاء داخل آن ندارد. بنای این ساختمان عظیم در حدود سیزده سال طول کشیده و تعداد زیادی نقاش و مجسمه‌ساز و گچکار برای تزئین داخل و خارج آن کار کرده‌اند. تزئینات آن بحدی است که بعضی از نقادان و معماران بآن ایراد گرفته و گفته‌اند بیش از حد لزوم تزئین شده است. بهر حال تمام این کوششها و صرف کردن این همه هزینه و توأم ساختن این همه علم و ذوق در نقاشی و معماری و مهندسی و طراحی و مجسمه‌سازی همه برای این منظور بوده است که محل مجلل و باشکوهی که برای اجرای اپرا یا درام توأم با موسیقی شایسته باشد ایجاد نمایند.

اپراهای پاریس و وین و رم از مراکز عمده فرهنگی و هنری و مایه فخر و مباهات مردم آن شهرهاست. نظر با اهمیت فرهنگی و هنری این سازمان بود که ملت ترک در اوان نهضت خود بعد از جنگ جهانی اول اقدام به بنا و تأسیس اپرا در شهر آنکارا کرد و اکنون که تقریباً چهل سال از تاریخ پیدایش این نهضت میگذرد هر کس به پایتخت آن کشور سفر کند میتواند میزان پیشرفت هنرمندان ترک را در اپرای ملی آن شهر ببیند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی